

آب نیایش

یکی از پنج نیایش ایرانیان پیش از اسلام، زرتشتیان در ایران و هند هنوز هم این نیایش را برگزار می کنند:

«ستایش می کنم تو را ، ای اَرَدوِیسور آناهیتا، می ستایم تو را که نمایانگاه همه آبهای پاک و درخشانی، و نمازت می گذارم برای خشنودی اهورامزدا که آفریده اش هستی. بپرستیم اهورامزدا ی فَرهمند و روان اراده را، و بستاییم همه آب های پاک را که داده اهوراست، و آن ایزد بزرگ را که آب های مزدا داده را زیر گام دارد و سرپرست است – و بستاییم همه امشاسپندان را، و ایزدان مَینوی سپهر منش و گیتی منش را – فَرَوهرهای پارسایان را که نخستین گروندگان آیین بودند – و زرتشت و خاندانش را. ستایشگرم آب پاک سود رسان زندگی ساز را، ستایشگرم آن اَرَدوِیسور آناهیتا را، آن نگاهبان شایسته آب های نیالوده گیتی را، و آن آب پهنه گستر زمین را که سازنده زندگی است، که چشمه زاینده نیروست از برای تندرستی، که چون فرو ریزد دیوان را نابود سازد، و چون روان شود، نا پاکی ها و آلودگی ها را نیست گرداند.

اینک بستاییم آناهیت را، ایزد بلند پایه شایسته را، که در پهنه سپهر جای دارد، که در بستر زمین روان می شود، که نیرو می بخشد تن را و روان را، که جنبش و زندگی می دهد گیتی را، می رویاند گیاه ها و سبزه ها را، که بدان گله ها و رَمه ها افزایش می یابند، که خواسته [=دارایی] مردمان افزون می گردد، که کشور آبادان و نیرومند می شود.

بستاییم ایزد بَغبانو آناهیتا را، که نگاهبان زنان است و در بهسازی نژاد کارساز است. که نیروی سازنده را در مردان پاک می کند، و در خور می سازد تا در درون زنان بارور شود. ستایش کنیم ایزدی را که درد زایش را در زنان می کاهد، که پستان های زنان زاینده را پُر شیر می سازد، که چشمه زندگی است برای کودکان نوزاد، و ستایش مان باشد بر آن ایزدی که بزرگ است، بزرگ و پاک، چونان همه گیتی که از فرازین گاه بلندی های زمین روان باشد.

بستاییم آن ایزد توانمند اهورا آفریده را – که سُرک است، سُرک چون همه آبهای نا آلوده و پاک که از ابرها سرازیر شده و بر سینه زمین چون رودها و چشمه سارها و دریا ها و دریاچه ها آرام یافته اند. آرام در زمین های هفت کشور – و می پیرایند زندگی بالنده را، پاک می کنند نهاد مردان را، و زنان را، و توان سان می نمایند شیر زنان را .

سرود پرستش سراییم برای اهورا مزدا – و بستاییم آب زندگی ساز را در پیکره ایزدی چون آناهیتا – که می راند آبها را در بسترهایشان بر سینه زمین ، چونان رگ های پر خون زنی جوان - آب هایی که روانند در زمستان و تابستان. باشد که فَرَوشی های پاکان، همه پاکانی که در گذشته بوده اند، گروهی که زاده شده اند و هستند – و فَرَوشیان زاده نشده پی که در آینده خواهند بود، با توانمندی سرمدی یارمان شوند و آبهای زندگی ساز را همواره در بسترهایشان راهوار کنند.

کارسازی آب نیالوده اهوره مزدا آفریده، به بد اندیشگان و بد گفتاران و بد کرداران در نگردد. سودش به یکسان وابسته بدخواهان و نیکان، و پویندگان راه راستی نشود .

آب، این آفریده نیک ترین اهورایی، گره گشای این کسان نشود: آنان که جانداران سود رسان را گزند کنند، آنان که با آزمندی خواسته [دارایی] دیگران را بربایند – یا مردان را بکشند – یا جادو سازند- یا

پیمان شکنند و دروغ گویند - یا ستم گری پیشه کنند یا دو رویی و رشک و ارگی کنند- بد فرجامی باشد برای همه آن کسانی که این چنین اند.

می سرایم سرودهای دلکش را برای آب های پاک توان سان زندگی ساز، سرودهایی که سپاسگزاری بندگان را باز گوید به آن اهورای بی همتا- و آن زرتشت گوهرین سرشت که راهبری مان کرد به ستایش درست.

چهار نیایش دیگر: آتش نیایش- مهر نیایش - خورشید نیایش و ماه نیایش بودند که هر یک در جای خود خواهند آمد.

هرودوت نوشته است: « ایرانیان در میان آب، پس آب نمی ریزند و آب دهان یا بینی در آب نمی اندازند و دست و روی خود را در آب نمی شویند، آب از رود یا چشمه یا جویبار بر می دارند و بیرون از آن دست و پای خود را می شویند بگونه بی که آب آلوده دوباره به جایگاه نخستین برنگردد».

استرابون گیتا شناس یونانی نوشته است:

« ایرانیان در آب روان تن شوی نمی کنند و چیزهای ناپاک در آب نمی اندازند، و شگفت تر از همه اینکه آب را نیایش می کنند و بر آن نماز می گزارند... آبان روز، دهم آبان ماه است و آن را عید می دانند که به جهت همراه بودن دو نام «آبان روز و آبان ماه»، آبانگان می گویند. در این روز زو پسر تهماسب از سلسله پیشدادیان به شاهی رسید، مردم را به کندن قنات ها و نهرها و بازسازی آنها فرمان داد، در این روز به کشورهای هفتگانه خبر رسید که فریدون، بیوراسب [=ضحاک-آژی دهاک] را اسیر کرده، خود به پادشاهی رسیده و به مردم دستور داده است که خانه و زندگی خود را دارا شوند...»

آبان یشت: یکی از یشت های بلند و ویژه ایزد بانو اردویسور آناهیتا، ایزد آبهاست که ۳۰ کرده و ۱۳۳ بند دارد. این یشت را می توان به دو بخش از هم جدا شناخت. بخشی که در ستایش آناهیتا و بخش دیگر که سخن از ستاینندگان او در میان است:

کرده یکم

۱

آهوزه مزدا به سپیتمان زرتشت گفت:

ای سپیتمان زرتشت!

«آردویسور آناهیتا» را که در همه جا دامن گسترده، درمان بخش، دیو ستیز، و اهورایی کیش است به خواست من بستای.

اوست که در جهان استومند، برازنده ستایش و سزاوار نیایش است.

اوست آشونی که جا افزایش و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.

اوست آشونی که فزاینده گیتی است.

۲

اوست که تخمه همه مردان را پاک کند و زهدان زنان را برای زایش از آلالش بپیراید.

اوست که زایمان زنان را آسانی بخشد و زنان باردار را به هنگامی که بایسته است شیر در پستان آورد.

۳

اوست برومندی که در همه جا بلند آوازه است.
اوست که در بسیاری فرمندی، همچند همه آب های روی زمین است.
اوست زورمندی که از کوه «هکر» به دریای «فراخکرت» ریزد.

۴

بدان هنگام که اردویسور آناهیتا - آن دارنده هزار دریاچه و هزار رود، هر یک به درازای چهل روز راه مردی چابک سوار - به سوی دریای فراخکرت روان شود، سراسر کرانه های آن دریا به جوش در افتد و میانه آن بر آید.

۵

از این آبی که از آن من است، به هریک از هفت کشور، رودی روان شود، رودی از آبی که از آن من است و در زمستان و تابستان یکسان روان است.
او برای من، آب را و تخمه مردان را و زهدان و شیر زنان را پاک کند.

۶

من - آهوزه مزدا- او را به نیروی خویش، هستی بخشیدم تا خانه و روستا و شهر و کشور را پرورم و پشتیبان و پناه بخش و نگاهبان باشم.

۷

ای زرشت! اردویسور آناهیتا از سوی آفریدگار مزدا برخیزد. بازوان زیبا و سپیدش که به زیور های با شکوه دیدنی آراسته است - به ستبری کتف اسپ است.
آن نازنین بسیار نیرومند روان می شود در نهاد خویش چنین می اندیشد.

۸

کدامین کس مرا نیایش کند؟
کیست که مرا زور Zavr آمیخته با هوم، آمیخته با شیر به آیین ساخته و پالوده نیاز کند؟
چنین پیمان شناس نیک دلی را خوشی پسندم و خواستارم که او خرم و شادمان ماند.

۹

او را- آن اردویسور آناهیتای آشون را - برای فر و فروغش با نمازی به بانگ بلند، با نماز نیک گزارد و با زور می ستایم.
ای اردویسور آناهیتا:

بشود که تو از پی داد خواهی، ما را به فریاد رسی.
این چنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منثره» [=سخن پاک خداوندی] با اندیشه و گفتار و کردار نیک، با زور و با سخن رسا.

کرده دوم

۱۰

.....

اوست که بر گردونه نشسته ، لگام در دست ، گردونه می راند و روانِ جویایِ ناموری اش ، این چنین در نهادِ خویش اندیشه کنان است.

کدامین کس مرا نیایش کند؟

کیست که مرا زورِ آمیخته به هوم، آمیخته به شیر به آیین ساخته و پالوده نیاز کند؟
چنین پیمان شناسِ نیک دلی را خوشی پسندم و خواستارم که او خُرم و شادمان ماند.

کردهٔ سوم

اوست که با چهار اسپ بزرگ- سپید- یک رنگ و یک نژاد- بر دشمنی همهٔ دشمنان – دیوان و مردمان دُرُوند [=ناراستکار] و جادوان و پریان و کوی ها و گُرب های ستمکار چیره شود.

اوست آن زورمندِ درخشانِ بلند بالایِ بُرزمندی که روزان و شبان – در بزرگی همچند همهٔ آبهای روی زمین – به نیرومندی روان شود.

او را بستود آفریدگار – آهوَزه مزدا – در ایران ویج در کرانهٔ رود داییتای نیک با هومِ آمیخته به شیر، با بَرَسَم، با زبان خرد و منثره با اندیشه و گفتار و کردار نیک، با زور و با سخن رسا...

از وی خواستار شد:

ای آردویسورِ آناهیتا ، ای نیک، ای تواناترین،

مرا این کامیابی ارزانی دار که من پسر «پُوروشَسب»- زَرُشتِ اَشَوَن را بر آن دارم که همواره دینی بیاندیشد، دینی سخن گوید و دینی رفتار کند.

آردویسورِ آناهیتا – که همیشه خواستارِ زور نیازکننده و به آیین پیشکش آورنده را کامروا کند- او را کامیابی بخشید.

کردهٔ ششم

هوشنگ پیشدادی در پای کوه البرز سد اسپ و هزار گاو و ده هزار گوسپند او را پیشکش آورد...

و از وی خواستار شد:

ای اَرَدوِیسورَ آناهیتا، ای نیک، ای تواناترین.

مرا این کامیابی ارزانی دار که من بزرگترین شهریار همهٔ کشورها شوم، که بر همهٔ دیوان و مردمان دُرُوند [=ناراستکار] و جادوان و پریان و کوی ها و گرپ های ستمکار چیرگی یابم ، که دو سوم از دیوان مَزَنَدَری و دروندان وَرَن را بر زمین افکنم.

اَرَدوِیسورَ آناهیتا که همیشه خواستار زور نیازکننده و به آیین پیشکش آورنده را کامروا کند او را کامیابی بخشید.

همین گونه درخواست و نیایش را از سوی دیگر شهریاران پیشدادی مانند تهمورس و جمشید در آبان یشت می بینیم، افزون بر شهریاران پیشدادی برخی از شاهان بیگانه که از دشمنان ایران بودند مانند افراسیاب و ضحاک نیز به پیشگاه ایزد بانو اَرَدوِیسورَ آناهیتا نیاز بردند ولی آناهیتا آنها را که ناراستکار بودند کامیاب نکرد.